



تربیت و سازندگی دختران

(قسمت دوم)

معصومه جمال نیک

مقدمه

در بینش اسلامی، این طرز تفکر وجود دارد که کودکان دارای حقوقی هستند که والدین موظف به ادای آن می‌باشند. این حق نشأت گرفته از «ولایت مطلقه الهیه» است. خداوند درباره حسن تدبیر برای زندگی فرزندان و ایجاد زمینه برای رشد و تکامل ایشان، تکالیفی برای والدین معین کرده و آن‌ها را در ادای آن مسؤول شناخته است. این تکالیف به‌طور کلی، در قالب نکات تربیتی مطرح

شده است. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ادَّبُوا اولادکم فانهم مسؤولون عنهم»^(۱) فرزندان را ادب کنید؛ زیرا در قبال آنان مسؤولیت دارید.

در کتب روایی ما، بیش از سی حق در قبال کودک بر شمرده شده است که ادای آن‌ها، به تناسب سن، جنس، موقعیت، استطاعت و قدرت والدین متفاوت است. در این مقال، به تناسب سخن، از حق حمایت و مراقبت سخن به میان می‌آید:

دیدار آشنا ۲-۳ / آذر و دی - بهمن و اسفند ۷۶

حق حمایت و مراقبت

حق حمایت و مراقبت کودک، از جمله حقوق و از جهاتی، مهم‌ترین حق وی به شمار می‌رود که برای حفظ و حراست او در نظر گرفته شده و در آن اصل، به وجود آوردن شرایط و عواملی است که مکمل زندگی سالم و طبیعی او باشد تا از بروز بسیاری از سوانح و حوادث جلوگیری شود.

کودک نیاز به حمایت دارد و غرض از آن، پشتیبانی به حق است که او را در جهت رشد و کمال یاری دهد. باید به این دل‌گرم باشد که می‌تواند به پیش برود، اگر در سر راه مانعی پدید آید، می‌تواند آن را از میان بردارد و والدین و مربیان کمک‌کننده او هستند.

کودک نیاز به مراقبت دارد؛ زیرا به خیر و صلاح خود واقف نیست. گاهی ممکن است راه را با بی‌راهه اشتباه کند و یا در طریق ناصوابی گام بردارد و گمان برد که راه صواب است. والدین و مربیان باید پرچم هدایت و مراقبت او را در دست گرفته، در همه مراحل رشد کودکی و نوجوانی به او بگویند که به کجا برود و راه درست کدام است. آنان ضمن گوش‌زد کردن انحراف او، وظیفه دارند راه درست را به او بنمایانند.

ضرورت حمایت و مراقبت

در زمینه لزوم حمایت و مراقبت از کودک و نوجوان، دلایل بسیاری وجود دارد که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- جهل: کودک یا نوجوان به اقتضای

سن خود و عدم برخورداری از قوه درک و ناتوانی در تشخیص صلاح و فساد خود، در شرایطی است که چشم به توجه والدین دارد. او عاجز از درک درست است و جهل جزو ذات او به‌شمار می‌آید: «أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً» (نحل: ۷۸)؛ خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی‌دانستید. آگاهی دادن و به‌دنبال آن، حمایت و مراقبت لازم است تا کودک و نوجوان همواره در راه صلاح گام نهد. گذشته از آن، والدین امانت‌دار فرزندان خود هستند و امانت‌داری - آن‌هم از سوی خداوند - مسؤلیت سنگینی است که والدین بر دوش دارند. این سؤال همیشه در مقابل والدین خودنمایی می‌کند که آیا آنان آن‌چه را که موردنیاز فرزندان بوده، بدان‌ها آموخته‌اند؟ آیا آن‌گونه که باید، آن‌ها را مورد تأیید و حمایت خود قرار داده‌اند؟

۲- ضعف: دنیای کودک دنیای ضعیف و

ناتوانی است، همان‌گونه که خالق او نیز می‌فرماید: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً» (نساء: ۲۸)؛ انسان ضعیف آفریده شده است. اما در جایی دیگر می‌فرماید: «خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ» (روم: ۵۴)؛ خدا در ابتدا شما را از جسمی ضعیف آفرید. انسان تا حدی، خود به این ضعف واقف است و می‌داند که قادر به دست‌یابی همه آن‌چه که می‌خواهد نیست و به زبونی و حقارت خود آگاهی دارد. اما آن‌چه مهم

است این‌که ضعف‌ها، خود زمینه‌ساز تسلیم‌ها، نابسامانی‌های رفتاری و موضع‌گیری‌های نارواست. بنابراین، لازم است از او حمایت شود تا به پشت‌گرمی آن، به پیش رود تا مبادا به دام افتد.

۳- غفلت: کودک در دنیای سرگرمی و اشتغالات خودساخته خویش، چنان مشغول است که از هر چیز دیگری بی‌خبر

لحاظ زیستی و هم از لحاظ تربیتی در وضع عاطفی ویژه‌ای هستند که زمینه برای پذیرش و باور کردن سخنان و عمل‌کردهای دیگران برایشان فراهم‌تر است. آنان زود باور می‌کنند و به‌همین دلیل، زود فریب می‌خورند. مختصر تملّقی، اندک پافشاری و اصراری یا ادای چند سوگند غلیظ و شدید می‌تواند آنان را از راه به در ببرد. شرم و حیا، کم‌رویی



است. چه بسا خیر و صلاحش در چیزی باشد که اصلاً به آن توجهی ندارد. در این صورت، تنها مراقبت و نظارت والدین و مربیان است که می‌تواند زمینه‌ساز هوشیاری او گردد. حمایت از عمل‌کردهای هوشیارانه او و مراقبت از رفتار وی زمینه‌ساز هوشیاری و رشد بیش‌تر اوست.

۴- ویژگی‌های عاطفی: دختران، هم از

افراطی، بی‌خبری از محیط بیرون از خانه و مسائلی از این قبیل موجب افزایش خطری می‌گردد که در کمین آنان است.

بنابراین، احساس حمایت از سوی دیگران، برای او لازم است تا بتواند با جرأت به پیش رود و در برابر این پیش‌آمدها و جریانات، مقاومت کند؛ مراقبتی لازم است تا او طمعه و صید دیگران نشود و نابکاران

نتوانند در او نفوذ کنند. این تکلیف والدین و مربیان است.

دامنه مراقبت و حمایت

مراقبت و حمایت از کودکان و نوجوانان دامنه وسیعی دارد که در این بحث، برای رعایت اختصار، تنها به موارد ذیل، اشاره می شود:

۱- جنبه زیستی: بخشی از مراقبت ها مخصوص جنبه های زیستی - جسمانی آنان است؛ مانند: مراقبت از:

- سلامت جسمانی و رشد و تقویت بدن و ایجاد مقاومت در آن؛

- بهداشت و نظافت جسمانی، طهارت اعضا و عادت نکردن به لمس ها و دست کاری های اعضا، به خصوص در سنین خردسالی تا عادات ناپسندی پدید نیآورد.

- خوراک، خواب و ورزش آنان و حتی دقت در نحوه خوابیدن و در بستر غلتیدن آن ها؛

- پوشاک بدن، به خصوص لباس زیر و لباس خواب که فراخ باشد، آهاردار و زیر و یا بسیار نرم نباشد.

- درمان و مهار بیماری ها، به خصوص در دوران خردسالی و به ویژه در بیماری های دردناک و تب آور که عدم توجه به آن ممکن است عوارض و اختلالاتی مادام العمر برجای بگذارد.

- وضع کار غدد، ظهور بلوغ و پیدایش یا

قطع آن، بلوغ زودرس و بهداشت دستگاه تناسلی؛

- کوشش در رفع نواقص و عیوب بدنی در سنین خردسالی که بعداً امکان جبران نخواهد داشت.

- تشویق به امساک؛ مثلاً، هفته ای یک روز در سنین نوجوانی و بلوغ برای کسانی که امکان ازدواج ندارند، روزه بگیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند: «فَإِنْ لَمْ يَجِدُوا لَهُ طَوْلًا فَلْيَسْتَعْفُوا عَنِ الْفَجْرِ بِالصَّيَامِ فَإِنَّهُ يَضَعِفُ بِالشَّهْوَةِ وَيَمْنَعُ الدَّوَاعِيَ إِلَى النِّكَاحِ»؛^(۲) هر که را امکان ازدواج نبود، با روزه خود را از گناهان دور بدارد که آن شهوت را کم می کند و محرک های ازدواج را ضعیف می گرداند.

۲- جنبه عاطفی: بخشی از حمایت ها و مراقبت ها باید متوجه جنبه های عاطفی دختران باشد. در این زمینه، می توان از مسائلی با رعایت اختصار و به شرح ذیل، سخن گفت:

- رعایت احترام و بزرگداشت فرزندان که خود حقی مهم و نشأت گرفته از کرامت ذاتی انسان است.^(۳)

- مهرورزی و عنایت به دختران بیش از آن چه که در مورد پسران مطرح است؛ زیرا کفه ترازوی عنایات اسلام به نفع دختران سنگین تر است.

۳- جنبه روانی: مراقبت های روانی و حمایت از دختران در مراحل رشد، اصلی

مهم است. اگر در پرتو بهداشت روانی از آنان مراقبت گردد، روح امید به زندگی در خوف و رجا برای آنان مهیا می‌گردد.

به طور کلی، فرزندان باید به آن درجه از رشد فکر و تعقل برسند که دریابند می‌توانند به محبت‌های والدین امیدوار باشند و در کارهای زشت آزاد نیستند و مواخذه می‌شوند. (۴)

از همان آغاز زندگی و سال‌های اولیه تولد، لازم است نسبت به فرزندان مراقبت لازم به عمل آید تا از لحاظ ذهنی، حافظه، هوش، تخلیه کنجکاوی، خلاقیت و استعداد در وضع مناسبی قرار گیرند و اگر عوارضی پدید آمد به اصلاح آن اقدام شود.

در جنبه روانی، باید به امنیت و رشد فکر و تعقل فرزندان توجه شود. باید با سپردن زمام احساسات آنان به دست عقل، در مواقع حساس زندگی، نیاز آنان را به موفقیت تأمین کنیم؛ میل به خودنمایی آنان را در حد مطلوب ارضا سازیم؛ و عزت نفس آنان را از خطر صدمه دیدن حفظ نماییم.

همچنین باید سعی کنیم کنجکاوی‌ها و چراجویی‌های آنان را تحت حمایت و مراقبت قرار دهیم، اعتماد به‌نزد را در آنها زنده نگه داریم، بکوشیم جنبه‌های دفاعی ایشان را تقویت کنیم، به آنان روحیه بدھیم تا در برابر دشواری‌ها بایستند و مقاومت کنند.

۴- جنبه اجتماعی: بخشی از مراقبت‌ها

و حمایت‌ها باید در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی کودک و نوجوان صورت گیرد. مباحثی که در این زمینه شایان ذکر می‌باشد، عبارت است از:

مراقبت از آنان در زمینه روابط اجتماعی، طرز برخورد با جمع، ابراز وجود، اعلام موضع در قبال جمع، حمایت از تعلق و وابستگی به گونه‌ای که منجر به افراط نشود، زمینه‌سازی برای مشارکت در حیات اجتماعی - دست کم، در میان جمع خانواده یا دوستان و بستگان - مراقبت‌های ویژه در زمینه تقلید - که منجر به افراط نشود؛ همانند: جهت دادن به آنان - مراقبت در اعمال و رفتار - که براساس ضوابط تأیید شده و مطابق ادب، نظم و انضباط باشد - توجه به وضع پوشش براساس ضوابط شرع و عرف و مراقبت‌های بهداشتی لازم در این زمینه.

فراموش نکنیم که تحت تأثیر تربیت و در شرایط محیطی، بعضی از زمینه‌ها و سجایای سرشتی افراد ظاهر می‌شود و در نتیجه، دو نفر که در اصل، متشابه بوده‌اند، گاهی متفاوت به نظر می‌رسند، (۵) با این‌که سخن، تفاوت‌های فردی را مطرح می‌سازد، نقش و اثر محیط اجتماعی را در ایجاد تحول و تغییر نشان می‌دهد.

در مجموع، به گفته کارل، «اعمال روانی - بدنی، تعلیم و تربیت و محیط مناسبی که در آن آثار فکری، اخلاقی، مذهبی و جمالی

می‌توانند جنبه سازنده یا ویران‌کننده‌ای داشته باشند. مراقبت از آنان در واردات ذهنی و حمایت از آنچه که حق و مورد تأیید است، ضروری رشد ایشان است.

نقش مهم مادران در مراقبت از دختران

در حمایت و مراقبت از دختران، مادران وظیفه‌ای سنگین‌تر بر عهده دارند. آنان در حفظ و صیانت دختران صبورتر و دلسوزترند. عنایت آن‌ها در حمایت و مراقبت از دختران بیش‌تر از پدران است و



نیاکان ما نقش شده است، به حال رکود می‌ماند و تا حدود زیادی، شدت و کیفیت تظاهرات نفسانی هر فرد را محیط روانی وی تعیین می‌کند.»^(۶)

۵- جنبه فکری - فرهنگی: فرزندان ما،

به‌ویژه دختران، که در محیط محدودتری زندگی می‌کنند، براساس آداب و سنن اجتماعی و ضوابط مذهب و عرف، کم‌تر در عرصه حیات اجتماعی ظاهر می‌شوند و به همین دلیل، نیاز به هدایت فکری و مراقبت‌های ویژه بیش‌تری دارند. آن‌ها در این زمینه نیاز دارند که فکر و اراده‌شان ساخته و پرداخته شود و آگاهی‌های لازم را در زندگی کسب کنند. صرف‌نظر از عادات، آن‌ها را باید با موضوعی که اتخاذ می‌کنند، آگاه کنیم تا موقعیت و جای خود را در دنیای جدید دریابند و به انجام وظایف بپردازند.

به گفته کوچتکف، «اینان حتی در سنین نوجوانی، که بزرگ شده‌اند، هنوز نمی‌توانند خود را این‌گونه اداره کنند، اراده نیرومندی ندارند که بتوانند جلوی خود را بگیرند و به خود فرمان دهند و یا تمایلات سرکش خود را سرکوب کنند و با پیروی از آرزوها و تمایلات خود، بیش از پیش، اراده خود را ضعیف می‌سازند.»^(۷)

جنبه‌های فرهنگی از افکار، فلسفه‌ها، ادبیات، آداب و رسوم، هنرها و دیگر یافته‌های اجتماعی و مسائل وابسته به آن‌ها از ضرب‌المثل‌ها، اشعار، کنایات و ارزش‌ها،

بیش‌تر از دیگران سعی دارند رفتار آن‌ها را معقول سازند. همچنین خطرات را نیز جدی‌تر می‌گیرند.

در بیش‌تر خانواده‌ها، مراقبت‌ها و حمایت‌ها مشترک است؛ فرزندان و به‌خصوص دختران، تحت تأثیر حمایتی پدر و مادر - به‌طور مساوی - رشد می‌کنند. ولی در برخی از خانواده‌ها، مراقبت‌ها مجزا است؛ بدین معنا که پدر کار هدایت و حمایت پسران را بر عهده می‌گیرد و مادر کار هدایت دختران را. اما به نظر می‌رسد این شیوه درستی نیست. در تربیت و سازندگی دختران، پدر و مادر، هر دو مسئولیت دارند، ولی هر کدام در حیطه اختیارات و امکانات خود. البته شیوه منفردی نیز برای مراقبت وجود دارد؛ به این صورت که پدر یا مادر به تنهایی سرپرستی دختر را بر عهده گیرند. این حالت در صورت طلاق یا مرگ یکی از والدین به وجود می‌آید که یکی از آن‌ها اجباراً سرپرستی دختر را بر عهده می‌گیرد. تجارب نشان داده که در چنین صورتی، مادران در کار خود موفق‌تر از پدران هستند. به عبارت دیگر، مادر به تنهایی می‌تواند هر دو نقش پدری و مادری را ایفا کند، اما پدران معمولاً به تنهایی، قادر به چنین کاری نیستند.

کیفیت اعمال حمایت و مراقبت

این ضروری تربیت کودک و حمایت اوست که والدین چون سایه به دنبال او روان باشند

و مراقبت کنند که او کجا می‌رود، از کجا می‌آید، با چه افرادی معاشرت دارد، به چه کسانی راز دل می‌گوید و اسرار می‌پرسد و به‌خصوص ضروری است آمد و شد و معاشرت فرزند در سنین بلوغ زیر نظر باشد. در سنین بلوغ و نوجوانی، مراقبت‌ها باید غیر محسوس و از دور صورت گیرد. نوجوان باید مطمئن باشد که پدر و مادر، او را به حال خود رها نکرده‌اند، اما او، خود نباید شاهد این مراقبت باشد؛ وگرنه امکان محرمانه شدن فعالیت‌های او و توسل به حيله و فریب، مشکل را دوچندان می‌سازد. (۸)

سال‌های سرنوشت ساز در زندگی دختران

حمایت و مراقبت از دختران با توجه به شرایط اجتماعی، در همه جوامع و از جمله کشور ما، در همه سال‌ها لازم است، ولی در سنین نوجوانی، ضروری‌تر می‌نماید؛ زیرا نوجوانی بحرانی‌ترین مرحله زندگی است. هرکس در جریان زندگی خود، به‌ناچار، باید از این مرحله حساس بگذرد. این مرحله چنان وجود درونی و جسمانی نوبالغ را دست‌خوش جریانات سهمگین خویش می‌سازد که می‌توان گفت او را دچار حیرت و سرگشتگی می‌سازد.

از سوی دیگر، در سنین نوجوانی، عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند



در سنین نوجوانی، در وضع عاطفی ویژه‌ای هستند که امکان به دام افتادنشان بسیار است. مسؤول سقوط اینان کسانی هستند که وظیفه مراقبت از آن‌ها را ایفا نکرده‌اند.

نباید والدین و مربیان لجام گسیختگی، آشوب و آزادی‌های بی‌بندوبارانه را در زندگی دختران پذیرا باشند؛ زیرا به دلیل حفظ آزادی و شادمانی امروز، آنان ممکن است حیات همیشگی خود را به خطر اندازند. بنابراین، باید آنان را در وضعی اداره کنند که امکان دست‌یابی غیر به آن‌ها، بی‌واسطه راه‌نما و عقل غیر ممکن باشد.

منابع

- ۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، رضی، ۱۳۷۱
- ۲- علی محمدحسین ادیب، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی، ص ۲۹۷، ترجمه محمد رادمنش، تهران، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱
- ۳- محمدتقی فلسفی، کودک از تربیت و وراثت، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲۴۲
- ۴- آلکسی کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۴، ص ۲۵۶
- ۵- همان، ص ۱۶۱
- ۶- و. د. کوچتکف و و. م. لایبک، روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه محمد تقی‌زاد، تهران، بنیاد، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵
- ۷- تعریف تایلور از «فرهنگ»
- ۸- علی قائمی، مجموعه بحثها در زمینه شناخت، هدایت و تربیت نوجوان و جوان، تهران، امیری، ۱۳۶۳، ص ۳۰۱

و زمینه را برای لغزش‌ها، انحراف‌ها، وسوسه‌های شیطانی و حتی خودکشی او، فراهم می‌آورند. طبق بررسی‌ها، در سنین نوجوانی، حالاتی مثل غمگینی، گریه، گوشه‌گیری، کاهش علایق، احساس بی‌ارزشی متهم کردن خود، بی‌خوابی و بی‌اشتهایی در آنان پدید می‌آید. والدین باید به‌خوبی مراقب باشند و درست تصمیم بگیرند. از نظر رفتاری هم می‌دانیم که نوجوانی سن دست کشیدن از کودکی، استقرار استقلال، کشش جنسی، بروز انگیزش تهاجمی، عدم اطمینان به بالغ، کوشش برای هم‌شکلی و انجام کارهای بزرگ، تلاش برای انجام کارها به منظور مورد قبول واقع شدن و ... است و این همه ایجاب می‌کند که آن‌ها تحت مراقبت و حمایت مربیان باشند.

چه بسیار دخترانی که در سنین گوناگون زندگی می‌کنند، ولی به دلیل غفلت و مسامحه والدین و مربیان در حفظ و مراقبت از آنان، همانند گل، در برابر طوفان‌های شدید حوادث پُرپر می‌شوند. اینان، به‌ویژه